

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۱/۲۰

نویسنده: بهادرا کومار

مترجم: رسول رحیم

## امریکا با تعامل مالی با طالبان می خواهد جلو نفوذ قدرت های منطقوی را بگیرد تیره شدن روابط طالبان و پاکستان منبع: اندین پنچ لاین ۱۷ جوری ۲۰۲۲



پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان در ماه اگست، مداخله خارجی در این کشور خیلی زود تر از آنچه انتظار می رفت، دوباره ظاهر شده و آسیاب شایعات به نحو آشنایی فعال گردیده است.

امروز، ماریا زخاروفا سخنگوی وزارت خارجه روسیه، از این شایعات انتقاد نمود که توسط منابع امریکایی انتشار یافته و می خواهند تلقین نمایند که مسکو برای به اصطلاح جبهه مقاومت ملی افغانستان در ولایت پنجشیر اسلحه می دهد.

زخاروفا گفت: «با پیش بینی اخبار جعلی بعدی در این مورد، لازم می دانیم که نکات زیر را بیان داریم: روسیه به هیچ صورت در تسلیح طرف های در حال منازعه در افغانستان مشارکت نمی کند... این سناریو در اساس با منافع روسیه در تضاد است.»

معلوم است که مسکو به قدر کافی احساس ناراحتی می کرد تا این شایعات را پیش از آن نادیده گیرد که دوباره اخبار جعلی معرفی شوند. زخاروفا تاکید نمود که تشدید تضاد بین الافغانی «مملو از تحریکات جنگ داخلی مبتنی بر زد و خورد های قومی» به ثبات وضعیت در افغانستان کمک نمی کند.

جالب آن است که مداخله وزارت خارجه روسیه فقط چند ساعت بعد از مکالمه تلفونی امروز عمران خان صدراعظم پاکستان با رئیس جمهور پوتین صورت گرفت. اگرچه گزارش کرملین از این مذاکره پوتین اشارتی به افغانستان نمی کند، اعلامیه مطبوعاتی که در اسلام آباد انتشار یافته است حاکی از آن است که عمران خان به پوتین گفته است «یک افغانستان صلح آمیز و با ثبات برای ثبات منطقوی دارای اهمیت حیاتی می باشد. افغانستان با چالش های وخیم بشری و اقتصادی مواجه بوده و حمایت جامعه بین المللی از مردم افغانستان در این بُرهه حساس دارای اهمیت حیاتی می باشد»

اعلامیه پاکستانی همچنان تذکار نموده است که عمران خان روی اهمیت آزاد سازی دارایی های مالی افغانستان برای پرداختن به نیازهای مبرم مردم افغانستان، تاکید نموده است و هر دو رهبر توافق نموده اند که همکاری های دو جانبه را در ساحات مختلف به شمول افغانستان تقویت نموده و تبادل نظر در سطوح بالا را افزایش دهند.

در اوایل این ماه برخی گزارش های ایرانی هشدار داده بودند که مجوز وزارت خزانه داری ایالات متحد امریکا برای تعامل مالی با طالبان و شبکه حقانی، دلالت به تلاش جدید اداره باین می نماید تا جهت مثبت روابط طالبان با روسیه، چین و دیگر کشورهای منطقه را پیچیده گرداند.

به زبان ساده، فکر جدید در واشنگتن بر آن است که با تخفیف تدریجی فشار بر طالبان یک تمایل وابستگی را در طالبان نسبت به حسن نیت امریکایی ها به وجود آورد. این اقدام به نوبت خود برای طالبان محور قرار دادن روسیه، چین، ایران و پاکستان را یا بطلی و یا متوقف می گرداند.

در حالی که ایالات متحد امریکا در گذشته برای حضور غیر مستقیم اش در افغانستان تقریباً به طور کامل وابسته به سازمان های غیر حکومتی (ان جی او ها) غربی بود، اکنون تغییری به سوی اعمال نفوذ بر طالبان از طریق ابزار های سیاسی و بین المللی قابل توجه واشنگتن صورت می گیرد.

در اساس این تاکتیک شامل دادن امتیازات ترجیحی (انحصاری) به طالبان در اشکال نامعین می باشد تا وابستگی آن ها به روسیه، چین و سایر کشورهای منطقه (به خصوص ایران و پاکستان) را کاهش بدهد.

در نتیجه واشنگتن از ملاحظه کاری کشورهای همسایه نسبت به حکومت طالبان، با تهیه کمک محدود به طالبان بهره برداری نموده و برای آن ها (کشورهای همسایه) جلو رفتن با حکومت موقت در کابل را حتی دشوار تر می گرداند.

در چنین حالتی که شباهت به مساله «اول تخم به وجود آمده است یا مرغ؟» دارد، وضعیت در صورتی می تواند تغییر نماید که دولت های منطقه متوسل به یک راهیافت هم آهنگ شده برای به رسمیت شناختن حکومت طالبان گردند. در شرایط کنونی این راه بسیار معقول است. نکته مهم در آن است که خودداری دولت های منطقه از به رسمیت شناختن طالبان، به نوبت خود مانع تشکیل پروسه دولت سازی در افغانستان و تبدیل طالبان از یک گروه شورشی به نخبگان حاکم می گردد.

در عین زمان همه علایم دال بر آن اند که ایالات متحد امریکا در حال آماده شدن برای ماهی گیری از آب گل آلود تنش بین طالبان با اسلام آباد است. دریک مباحثه که اخیراً در «بنیاد صلح» واشنگتن صورت گرفته است، پیش بینی شده است که حوادث اخیر در مرز خط دیورند می تواند به صورت بالقوه منجر به انشفاق در روابط بین کابل و اسلام آباد گردد.

ریچارد اولسن سفیر پیشین ایالات متحد امریکا در اسلام آباد، که در این مباحثات شرکت داشته است، گفته است که «با وجود اتکای تاریخی طالبان به کمک پاکستان»، ایجاد یک شکاف بین طالبان و اسلام آباد روی مساله خط دیورند اجتناب ناپذیر است، زیرا در این مورد مواضع طالبان در انطباق با مواضع همه حکومت های پیشین افغانستان می باشد که از سال ۱۹۴۷ به این سو، تاکید روی رفت و آمد آزاد پشتون ها در دوسوی مرز دوران استعماری می نمودند و خط دیورند را به حیث یک مرز بین المللی به رسمیت نمی شناختند.

اولسن، تا بدانجا می رود که می گوید: «این مساله علاوه بر به رسمیت شناختن، شاید به دلیل این واقعیت پیچیده تر گردد که علامت گذاری خط دیورند توسط پاکستانی ها، با شناخت افغان ها از آن متفاوت است و بخشی از دیوار سیم خار دار شاید در داخل آن قسمت از خاک افغانستان قرار داشته باشد که بخش بیشتر جامعه بین المللی به شمول ایالات متحد امریکا آن را قلمرو افغانستان می شمارند.» لطفاً به این اشاره ظریف توجه نمایید که واشنگتن با مواضع طالبان همناهی نشان می دهد. اولسن، علاوه می نماید «اما برای اسلام آباد اکنون مساله نا آرامی در قلمروهای پشتون نشین خودش بسیار گسترده تر از سه دهه پیشتر به نظر می رسد. از این که کابل در عمل پناه گاه محفوظ برای طالبان پاکستانی فراهم می سازد، قبلاً تخریش گسترده ای را در روابط دو جانبه به وجود آورده است. هرگاه اسلام آباد معتقد شود که طالبان افغانستان فراتر از دعوای موضع عنعنوی در مورد خط دیورند می روند، و از یک جنبش بدخواه و انتقام جو حمایت می کنند که دعوای سرزمین های از دست رفته پشتون ها را دارند، مناسبات آن ها از هم می گسلد. در حال حاضر اسلام آباد تجدید قدرت «تحریک طالبان پاکستان» را به دسیسه هند نسبت می دهد. بنابراین، تأثیرات منطقی این منازعه به طور بالقوه گسترده می باشد.»

مطمیناً این اظهارات داغ یک سفیر سابق امریکا در پاکستان است. جالب آن که یک سخنگوی دیگر که در مباحثات «بنیاد صلح» در واشنگتن شرکت نموده بود، حدس می زند که هرگاه از این بابت فشار وارد شود، «هرگاه طالبان چالش های شان علیه مرز را افزایش بدهند، پاکستان شاید بکوشد به طور تهاجمی در سیاست داخلی طالبان اعمال نفوذ نماید.»

روشن است که اسلام آباد باید با چالش بزرگی مقابله نماید و بدین ترتیب بدون افزودن بر تنش ها مصمم بماند و بر طالبان فشار بیاورد که معقول و آشتی پذیر باشند. در همین جاست که علامت دادن واشنگتن به طالبان کسب اهمیت می نماید.

اینکه طالبان پیشنهاد اخیر عمران خان برای اعزام پرسونل آموزش دیده به افغانستان را بی ارزش و نادیده انگاشتند، نشان می دهد که زمین زیر پاها تغییر کرده است. طالبان سود سیاسی شان را در استفاده از ناسیونالیسم قومی پشتون

می بینند. همچنان طالبان به خاطر حمایت نظامی و لوژستیکی پاکستان برای تصرف کابل خود را مدیون اسلام آباد نمی دانند. امروز طالبان روابط شان را متکثر گردانیده اند و در داخل نیز با کدام اپوزسیون جدی مواجه نیستند. چالش عمده ای که طالبان به آن رو به رو اند، در جبهه مالی و اقتصادی می باشد و پاکستان فاقد آن ظرفیتی هست که در این زمینه کدام کمک معنی داری نماید. دکتر موید یوسف مشاور امنیت ملی پاکستان، روز سه شنبه عازم کابل می شود. در دستور کار صحبت با مقامات کابل دو مورد کلیدی مطرح می باشند که یکی آن، حصارکشی خط دیورند است و دوم آن، از بین بردن پناه گاه های محفوظ طالبان پاکستانی و سایر عناصر ضد پاکستانی در افغانستان می باشد.